

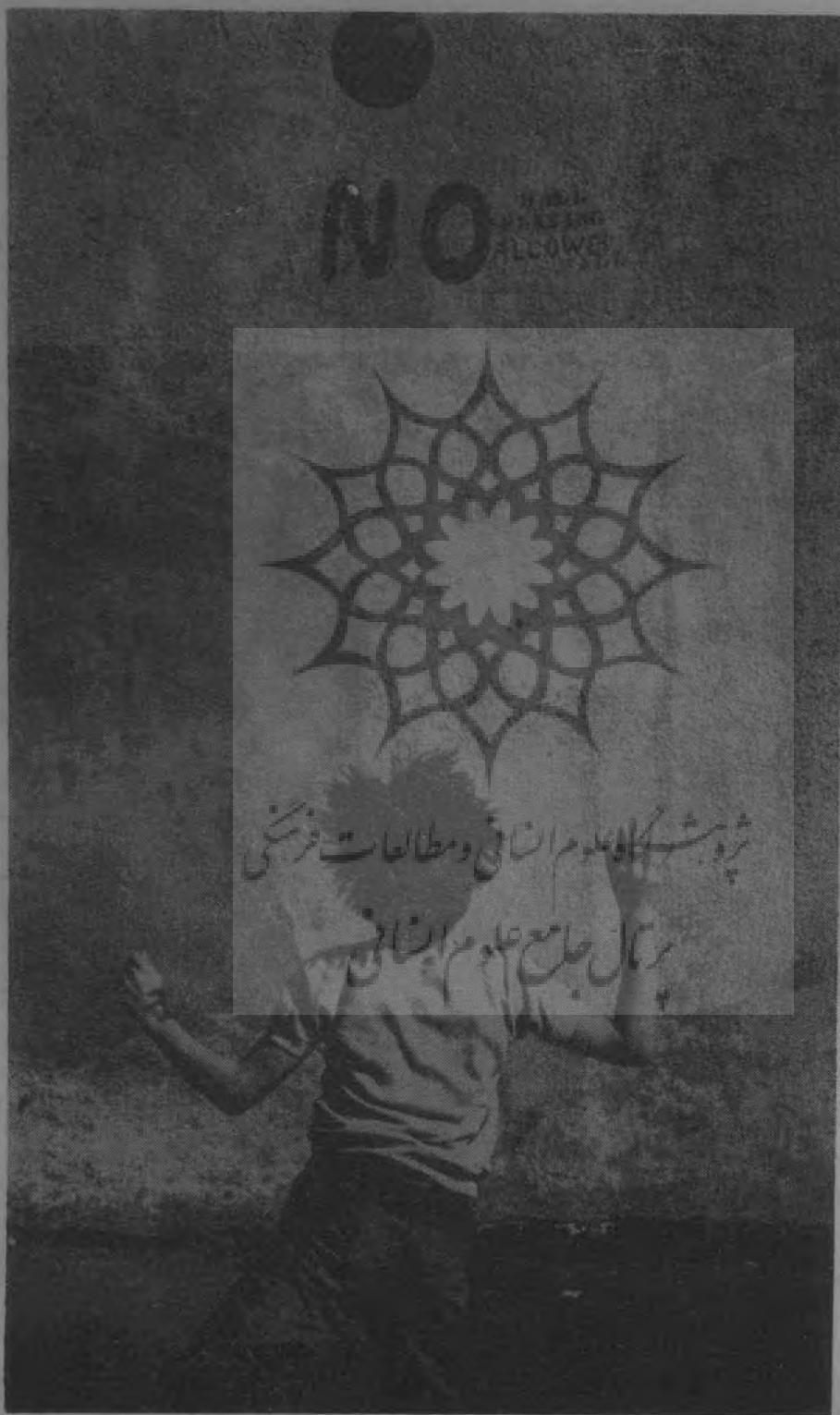
آموزش مذهبی کودک

و نگاهی به دو کتاب نفیس

برخی می‌پندارند که کودک را باید گذاشت تا با سنگ زمانه ادب شود. و برخی می‌گویند: «ولش کن! بزرگ می‌شود همه‌چیز را می‌فهمد». و این دو تصور نادرست نوعاً از دو عامل ناشی می‌شود: یکی تبلی پدر و مادر که وظیفه خود را به «سنگ زمانه» وامی‌گذارند. و دوم جهل و نداشتن تربیت درست و کافی، که می‌بینند خود چیزی ندارند تا به کودک بدهند. از این رو، این وظیفه خطیر را به سنگ زمانه می‌سپارند.

آری، بیگمان سنگ زمانه پرتاب می‌شود و به پای فرزند آدم می‌خورد و چیزهایی به شخص می‌آورد، همینطور گذشت زمان و تجربه‌های عینی، بر اطلاعات و آگاهیها و راه‌گزینیهای انسان می‌افزاید، اما این دو، هیچکدام به کودک و تربیت کودک مربوط نیست، بلکه این هر دو - چنانکه پیداست مربوط است به اوقاتی که زانه انسان در معرض سنگ زمانه قرار گیرد، یا مدتی از عمر بسراو بگذرد و به تجربه‌هایی دست‌یابد. در این صورت، آیا باید فرزند نوع انسانی، در دوره کودکی، چون بچه حیوان رها باشد، و تازه در بزرگی هم به حسرت دردناک سعدی دچار آید که: «عمر دو بایست در این روزگار؟!»

نه، این رانه دین قبول‌دارد و نه علم تربیت توصیه می‌کند. کودک در هیچ منطقی بی‌ارزش و در خور رها بودن نیست. علوم مختلف مربوط به شناخت انسان، برای کودک اهمیت بسیار قائل شده‌اند و گفته‌اند که باید به شخصیت کودک توجه خاص کرد و اهمیت خاص داد. و بزرگترین نمونه اهمیت دادن به کودک و توجه به شخصیت او، کوشش در راه آموختن به او و تربیت اوست بقیه در صفحه ۵۴



تر

واتسن
خراسان و
بزرگداشت
«ولیعهد»
مانند ترکمن
که میان ملد
است نمیشوند
واتسن نیز
گفته خوانند
فیلم‌های امر
پوستها و
که در آن
بالفطره خود
میشوند.
سفیدپوستان
می‌شوند رساله
را از پهنه
محو کنند تا
کودکان امر
بیافرینند و
قدرت و ثر
اول است
دوم و هوج
بدنابودی آ
در او
برای برقر
مرزهای خو
وآمد آزاد
میخواست
ترکمن و
مقداری از
درگذرد.
چند به ارد
و ۲۰۰۰ ق
صالح شیرا
و مبلغ
هزینه جنگ
لیکن

آموزش مذهبی کودک (بقیه)

و دقت در پرورش همه امکانات استعدادی او، پرورشی لطیف و عالی.

پس این پنداری واهی است که: بچه است، چیزی نمی فهمد، بگذار بزرگ شود تا... نه بچه هم می فهمد. و بلکه بچه وقتی «درست بزرگ می شود» که توام با «فهمیدن» بزرگ شود. چون بزرگ شدن و بالیدن نیز مثل بسیاری از چیزهای دیگر دنیا، درست و نادرست دارد. بزرگ شدن بچه انسان، تنها همین نیست که جثه اش رشد کند و بدنش بیابد. بچه باید بفهمد و بزرگ شود. و همینگونه که می تواند بزرگ شود، می تواند بفهمد. بنابراین، باید همه مقامات مسئول، پدران و مادران - به ویژه پدران و مادران بیسواد - واقعاً به این نکته متوجه سازند که رسیدگی عقلانی و تربیتی به کودک، یا اهمیت ترین مرحله است. به عبارت دیگر، باید به پدران و مادران و هم مربیان کودکانها - نیک فهمانده شود که توجه به شخصیت کودک و اهمیت دادن به تربیت او، تنها ناظر به رشد جسمی او نباید باشد. پرورش فکری کودک هم در سطحی کودکانه، و به زبانی کودکانه، و به صورتی بس لطیف و کاملاً مربیانه و پرورش انگیز باید در مد نظر باشد.

بگذارید عرض کنم، اینکه ما چه را از ۶ - ۷ سالگی به دبستان می فرستیم، این نخستین مرحله آموختن نیست. بلکه باید پدر و مادر، پیش از دوره دبستان، کودک را با چیزی که در جهان به نام «دین» و «معنویت» وجود دارد آشنا سازند - البته، تکرار می کنم، با زبان کودکانه و در سطح درک و فهم شعوری کودک. و امروز که عده ای از خانواده ها، به عادت گرفتاریهای شخصی، یا پیوستن به تریبهای جمعی، یا مسائل دیگر... کودک را از سنین پایین به کودکان می سپارند، این وظیفه کودکان است که به این امر اقدام کند و کودک را از اول با ایمان بار آورد. از این جمله که می گویم: «کودک را با ایمان بار آورند» نباید تصور کرد که

مقصودم ایمان مردی است هفتاد ساله و دایم بر سجاده نشسته، چون با این تصور، می گویند: ای بابا! مگر ممکن است... به بچه چه ایمانی بیاموزیم و چه خدا و پیغمبری بشناسانیم؟ نه، مقصودم ایمان مرد کامل نیست، بلکه ایمان ساده شده ای است که کودک بفهمد. به سخن دیگر: حذف آموزشهای دینی و اخلاقی از برنامه تعلیماتی کودک - به جرم اینکه کودک است - صحیح نیست. بلکه باید برای این آموزش نیز در زندگی کودک جایی باشد. و البته ایمان هم، مثل همه چیزهای دیگر، مراحل مختلف دارد. و می توان مرحله ای از آن را به کودک نیز آموخت و به کودک عقیده داشتن یاد داد، که مهمترین عنصر شخصیت انسانی، عقیده داشتن است و ایمان و نظمیترین حساسه زندگی اعتقاد. از این رو، کسانی که کودکانی تالیس می کنند یا مصدق کودکانی هستند - اگر بخواهند و عقیده باشند که به جای خدمت کردن حیانت فکر داشته باشند باید برای دوره های پرورش کودکانی، مربیانی انتخاب کنند شریف، معتقد، پاک و فکری خصلت، تا با طبیعتی چون فرشته، پاک و معصوم، با طفل روپر رو شوند و دل او را پاک، و روح او را زلال، و قلب کوچک و لطیف و پاک او را روشن سازند. و در دقت است که اسلام حتی در مورد دایه گرفتن برای بچه، تاکید بسیار کرده است که چون بخواهند دایه بگیرند، او را از نظر اصالت، پاکدامنی، شفت و ایمان قبلاً آزمایش کنند.

از اینجا لازم است دو نکته را به پدران و مادران عرض کنم: ۱ - به هنگام سیردن طفل به کودکان، درباره اخلاق و ایمان و پاکدامنی و فضیلت خواهی و مسئولیت شناسی اولیاء و مربیان و حتی فراموشان و رانندگان کودکان تحقیق کنند. ۲ - وقتی کودک را به کودکان سپردند - یا به دبستان - تصور نکنند که تکلیفشان همین اندازه بود و تمام شد، بلکه خود همواره مراقب باشند و آنچه را لازم است - مخصوصاً در مسائل

مربوط به ملیت و دین - به کودک بیاموزند، با زبان شیرین. همچون باغبانی که با وجود آمانه بودن همه وسائل و لوازم برای پرورش گل و نهال، باز خود دلسوزانه و نگران بسر رشد و پرورش گل و نهال نظارت می کند. پس، خلاصه عرایض این شد که کودک را نباید رها کرد، که هیچیز جامعه، کودک است. و مخصوصاً در مورد آموختن مذهب و اعتقاد و آداب مذهبی به کودک، باید بیش از حد، مراقبت های لازم به جای آورد.

امام محمدباقر (ع) فرموده است: «... در ۳ سالگی، کلمه توحید (لا اله الا الله) را به طفل بیاموزید، و در ۴ سالگی، محمد رسول الله را. در ۵ سالگی، روض را به قبله متوجه کنید و به او یاد دهید که سر به سجده بگذارد. ۶ سالش که تمام شد، رکوع و سجود را به او یاد دهید. و در ۷ سالگی، باید پدران و مادران به طفل بگویند دست و روت را بشوی و نماز بخوان...» (۱)

علم هم می گویند: «در اوایل کودکی، چیزهای بسیاری آموختیم، که مهارتهای جنبشی، خواننده می خواند، عاقد اینکه وقتی چیزی جاو می آورد دست به سوی آن دراز می کنیم» (بعد با من - بگیریم) لباس بپوشیم و دکمه را ببنداریم. کم کم مهارتهای زبانی را کسب می کنیم... و از آنجا که فطرت پاک و معنودنی از بعضی حرکات و کلمات داریم، آنگاه بکاربردن آنها را آموختیم... (بعد)، از مرحله ساده آموزشی وارد مرحله حل مسئله، یعنی تفکر، می - شویم...» (۲)

می بینیم که این مراحل یادگیری از نظر عام، حدوداً، یا مراحل پیشنهاد شده توسط رهبران دین تطبیق می کند، و در نتیجه، مسئله آموزشهای گوناگون کودک را، به صورت یک امر بسیار جدی و غیر قابل غفلت، در پیش ما می نهد. نیز از پیامبر اکرم (ص) روایت شده است که فرمود: «چون بچه ها ۷ ساله شدند، بگویند نماز بخوانند...» (۳)

باری، این مطالب را به عنوان مقدمه نوشتم، تا دو کتاب کوچک و زیبا را که اخیراً، با

همین مسئولیت شناسی، منتشر شده است، معرفی کنم:

- ۱ - «عبادتی چون تفکر نیست...» (۴)
- ۲ - «فرزند زمان خوشتن باش...» (۵)

این دو کتاب را نویسنده جوان و حساس، آقای غلامرضا امامی تهیه کرده اند. چنانکه هنرمند گرامی، علی اکبر صادقی به ترین و تذهیب آن پرداخته اند. و این در واقع، نخستین گامی است که «کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان» در راه این مسئولیت خطیر و همگانی برداشته است.

کتاب اول، شامل ۹۱ بند دینی است از پیامبر اکرم، با خلاصه ای از زندگانی پیامبر (ص). کتاب دوم، شامل ۹۳ بند دینی است از حضرت علی، با خلاصه ای از زندگانی علی (ع). بجز لزوم اقدام، خوبی مطالب، ارزش محتوی، فرم کار نیز بسیار جالب و زیبات و در حد نفاست. البته توجه داریم که این ظاهر زیبا، در مورد رساله ای اخلاقی، که برای کودکان نوشته می شود بسیار اهمیت دارد. کودک این کتاب را که می بیند، دلش می خواهد آن را به دست آورد و داشته باشد و مال خودش باشد. بعد هم آن را می خواند، یا از بزرگترها خواهش می کند بپوشد بخواند. و در واقع آونزه جان و آمیزه دل او می شود.

در اینجا، به همین مناسبت، می خواهم بگویم که، گرچه این رساله های نفیس به بهایی که برای آن تعیین کرده اند می آرزد، اما اگر ممکن است - از هر بودجه ای که بشود - بهای آن را کمتر کنند. لازم است، هر خانواده ای بتواند آن را برای کودک خود تهیه کند و دیگر در این بابت اشرافیگری به چشم نخورد. بلکه حتی این است که کتاب کودک رایگان باشد، در این صورت توقع ارزان بودن آن، چندان زیاد نیست.

بعلاوه، چون این کتابها زیبا و نفیس تهیه شده و بسیار قشنگ است. کودکان بدان جلب می شوند، اگر آن را درست یکی ببینند آن دیگران هم می - خواهند، و در این حال، اگر یکی بتواند بخرد و یکی نتواند

فلسفه سگرفتاری (کلبی) (بقیه)

بود از جمله بزرگان بطام ، دارای پیروان و پذیرفته مردمان ، و از حلقه بازید غایب نبودی . روزی گفت : « ای شیخ ، سی سال است که روز روزه دارم و شب نماز گزارم ، و خود را از این علم که تو می گوئی اثری نمی یابم ، ولی آنرا تصدیق می کنم و دوست می دارم . » شیخ گفت : اگر سیصد سال به روزه باشی و نماز کنی ، یک ذره بوی این حدیث نیابی . گفت : چرا ؟ گفت : از بهر آنکه تو مجبوری به نفس خوش . گفت : دوا می هست ؟ شیخ گفت : هست برهن که بگویم ، اما تو قبول نکنی . گفت : قبول کنم که سائهاست تا طلبم . شیخ گفت : این ساعت برو ، و موی سر و محاسن باز کن و این جامه که داری بیرون کن و ازاری از گلیب در میان بند و بر سر آن محلت که ترا بهتر شناسند بنشین . و تو بر روی پرگردو کن و پیش خود بنه ، و کودکان جمع کن و بگو : هر که مرا سبلی بزند یک جوز بدهم ، و هر که دو سبلی بزند دو جوز بدهم در شهر می گردنا کودکان سبلی برگردند زند ، که علاج تو ایست . مرد گفت : سبحان الله ، لا اله الا الله . شیخ گفت : اگر کافری این کلمه بگوید ، مؤمن شود ، و تو بدین کلمه مشرک شدی . گفت : چرا ؟ شیخ گفت : از آن که تو در این کلمه که گفتی تعظیم خود گفتی نه تعظیم حق ! مرد گفت : من این نتوانم کرد ، دیگری را فرمای . شیخ گفت : علاج تو ایست که نکنی » (نظار : تذکره الاولیاء ص ۳-۱۷۲) .

18. Self-sufficiency. 19. Outspokenness.

۴۰ . سگروشان بویژه دیوجانس برای این مقصود کلمه یونانی Askesis را بکار برده اند که انگلیسی زبانان به Asceticism ترجمه کرده اند ، و دانشمندان ما به ریاضت برگردانده اند .

21. Anti-conventionalism.

۲۲ . Zeno (۲۶۴ - ۳۳۶ ق - م) پایه گذار مذهب رواقی ، اهل سینوپ . Citium .

23. Stoicism. 24. Crates of Tebes.

25. Gatrasher.

26. Menippus

۳۷ . این بخورد ، در یونانی به کلمه Spoudiogeoin بیان شده و که در کتب فلسفه یونان انگلیسی آنرا به : (مخلوطی از هزل وجد و جدیت) Mixture of Jest and Earnest ترجمه کرده اند .

28. Marcus Aurelius.

29. Macker of Mankind. 30. Conceited Delusion.

31. Lucian. 32. Journey to the Underworld.

33. Letters from the Gods.

34. The Sale of Diagenes. 35. Mockeries.

36. Cercidas of Megalapolis.

37. Bion of Borysthenes. 38. Denieper.

39. Trajan. 40. Idealist.

41. Juvenal. 42. Endurance. 43. Abstinence.

44. Demonax. 45. Politician. 46. Oenomaus.

47. Gadara in Plastine. 48. Peregrinus

۴۹ . خواهیم گفت : که کلیبان هر کول را کلبی راستین می شمرد و از اصحاب خود می دانسته اند .

50. Antominus Pius. 51. Herodes Atticus.

52. Julian. 53. Natural Universal Philosophy.

54. Hypocrisq. 55. Galileans.

از زندگانیشان ، گفتار و افکارشان ، اعمال انسانی و فداکاریها و بزرگواریهاشان و معلوم است که شناساندن انسانهای بزرگ و قلبیهای بزرگ ، بزرگترین عامل تربیت است ، که گفته اند :

« برای مطالعه جوانان ، هیچ چیز بهتر از شرح حال بزرگان نیست . زیرا وجود نوانب ، نمونه مجسم کلید فضایی است که ما می خواهیم یا نصایح و دستورات خود به فرزندان امروز تعلیم دهیم . » و به گفته رو سو در کتاب تربیتی « امیل » (۶) :

« من خوشتر دارم برای شروع به مطالعه در قلب بشر ، شرح زندگانی خصوصی مردان بزرگ را بخوانم . »

در پایان ، برای همه کسانی که در راه تعمیم خیر و فضیلت و حماسه در جامعه می کوشند ، طلب سعادت و توفیق و ایمنی روحی می کنم .

اردیبهشت ۱۳۵۲
محمدرضا حکینی

(۱) - « کودک از نظر وراثت و تربیت » ، تألیف : فلسفی ، چاپ چشم ، جلد دوم ، ص ۱۹۸ - ۱۹۹ . البته این سخن امام محمد باقر (ع) به معنای این نیست که در این سنین نماز بر بچه واجب است ، بلکه توجه دادنی است به آمیخته های دینی .

(۲) - « اصول روانشناسی » ، تألیف : مان ، ترجمه محمود صناعی ، ص ۱۸۷ .

(۳) - « کودک از نظر وراثت و تربیت » ، ج ۲ ، ص ۱۹۸ - ۱۹۹ .

۴ - خلاصه ای از زندگانی و سخنان پیامبر اکرم (ص) - به انتخاب و ترجمه غلامرضا امامی ، نقش و تذهیب از علی اکبر صادقی (مجموعه فرهنگ اسلامی) - سازمان انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان - اسفند ۱۳۵۲ .

۵ - خلاصه ای از زندگانی و سخنان حضرت علی (ع) . با مشخصات فوق ، آبان ۱۳۵۱ .

۶ - از ترجمه مرحوم زیرک زاده ، ص ۱۸۳ .

خوب نیست . پس خوب است که عوسه محترم نشر آن ، در این باره به طور جدی فکری بکند و این بخش را - که مفیدترین نقطه حرکات این سازمان است - هر چه ارزاتر (نه به این صورت که وضع چاپ و کاغذ و تزیینات آن را پایین آورد ، و نه به این معنی که بیهای فعلی توام با اجحاف است ، بلکه همان حکمتی که گفته شد) به فروش برساند ، تا روزی که اینگونه کتابها رایگان توزیع شود .

در اینجا می خواهیم این « وفقیات ادبی و معنوی را به نویسنده و هنرمند و موسسه نشر تبریک بگویم و از این مسئولیت شناسی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان خرسند باشیم . کانونی که بیگمان بار یکی از سنگینترین مسئولیتها را بردوش می کشد و در برابرهه جامعه و ملت و تاریخ ما و همه موازیت دین و ابعاد اسلام و فرهنگ قرآن مسئول است ، به دلیل رابطه اش با کودکان و نوجوانان سرزمینهای آیات قرآن .

نیز می خواهیم از گردآورنده معتقد و پاک اندیش این دو رساله زیبا ، آقای غلامرضا امامی ، خواهش کنم که ضمن یادآوری به مقامات مسئول کانون ، این سلسله انتشارات را - با رعایت همین زیبایی و بلکه بیشتر - ادامه دهد و بر اساس کلمات و کردار و رفتار هر یک از ائمه طاهرین (ع) رساله های این چنین منتشر کند ؛ و هم درباره چندین روز عظیم اسلامی و محتوای دینی و انسانی و اجتماعی و تربیتی آنها ، چون روز بعثت ، روز نزول قرآن ، اهمیت قرآن ، روز جنگ بدر ، روز جنگ احد ، روز جنگ احزاب ، روز هجرت ، روز غدیره ، روز شهادت حضرت علی (ع) ، روز عاشورا ، روز فطر ، روز قربان و روز جمعه ؛ و هم درباره برخی از عادات و عبادات و سنن اسلامی ؛ و هم درباره گروهی از انسانهای بزرگ تاریخ اسلام ، اعم از شیعیان و یاران علی (ع) در صدر اسلام ، یا اصحاب دانا و بزرگ و فداکار امامان ما ، یا دیگر علما و فلاسفه و متفکران اسلام در طول تاریخ ، که جمعی از آنان از افتخارات بزرگ کشور عزیز ما نیز هستند ، و می دانیم که درباره هر یک از ایشان نیز می توان خلاصه ای نوشت ،